

نظام‌الدین زاهداف

نجم‌الدین نسفی و «القند فی ذکر علمای سمرقند» او

سمرقند چون یکی از کهن‌ترین شهرهای آسیای مرکزی و یکی از قدیمی‌ترین مراکز علم و فرهنگ در تاریخ تمدن جهانی مقام ارجمندی را دارا است. در طول تاریخ این شهر باستانی زمانی چون جنت روی زمین آبادان و معمور بوده و زمانی دیگر بر اثر تهاجم بیگانگان با خاک و خاکستر یکسان شده است، ولی در همه دور و زمان‌ها شهرت خود را همچون مهد علم و ادب، گهواره جنبشهای فرهنگی و میهن فرزندگان و شهریان بلندآوازه نگاه داشته است. از این جاست که بسیاری دانشمندان از قدیم تا کنون پیوسته به تحقیق تاریخ سمرقند و بیان فضیلت‌های آن کوشیده‌اند و در این زمینه آثاری پرارزش از خود به میراث گذاشته‌اند.

یکی از این گونه اثرها که از رسالت تاریخی و مقام علمی و فرهنگی این شهر باستانی در مسیر تاریخ گواهی می‌دهد، به قلم نجم‌الدین ابو حفص عمر ابن محمد ابن احمد نسفی (۱۰۶۸/۴۶۱-۱۱۴۲/۵۳۷) تعلق دارد. این کتاب با نام «القند فی ذکر علمای سمرقند» شهرت دارد.

قبل از معرفی کتاب و بیان اهمیت آن سخنی چند راجع به مؤلف آن ضروری می‌نماید، زیرا او با وجود شهرت در نزد اهل تحقیق، برای غیرمتخصصان تا امروز ناآشنا مانده

است.

مؤلف کتاب نجم‌الدین نسفی یکی از دانشمندان بزرگ حنفی‌مذهب بوده، در اواخر عصر ۱۱ و اول عصر ۱۲ آثار متعددی در فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و ادب تألیف نموده است. بنا به اخبار سمعانی (وفات ۱۱۶۸/۵۶۴) که از معاصران متأخر نجم‌الدین نسفی و مرجعی معتمد در زمینه تحقیق روزگار و آثار او محسوب می‌شود، مؤلف کتاب «القند فی ذکر علمای سمرقند» در نسف چشم به عالم هستی گشوده و در ۱۲ جمادی‌الاول سال ۵۳۷ در سمرقند به دیار باقی شتافته است.

بنا به اخبار ابوطاهر خواجه سمرقندی در «ثمریه»، نجم‌الدین نسفی در قبرستان جاکردیزه سمرقند که به حیث آرامگاه پیشوایان علم و دین در عصرهای میانه معروف بوده، نزدیک به مزار امام ابومنصور ماتریدی (وفات ۹۴۴/۳۳۳-۴۵) مدفون است.

اغلب عمر و فعالیت نجم‌الدین نسفی در سمرقند گذشته است. بنا بر این سمعانی در ذکر نسب او «سمرقندی» را بر «نسفی» افزوده است.^۱ سمعانی و مؤلفان منابع دیگر اشاره بر آن دارند که نجم‌الدین علم‌های زمان خود را نزد استادان و دانشمندان معتبر روزگار از بر کرده است. خود او تعداد استادان خود را که از آنها حدیث شنیده و اجازه روایت آنها را گرفته است، بیش از ۵۵۰ نفر تعیین کرده، نام ایشان را در رساله «تعداد الشیوخ لی عمر مُسْتَطْرَفَ الی الحروف مَسْتَتَر» یک به یک ذکر کرده است.^۲

نام‌های تعداد از استادان نجم‌الدین نسفی در کتاب «القند فی ذکر علمای سمرقند» نیز تأکید شده‌اند که همگی در ردیف فقیهان و محدثان و مورخان معروف ماروا، النهار عصر ۱۱ و اول عصر ۱۲ قرار دارند.

از اشاراتی که در صفحات گوناگون کتاب «القند فی ذکر علمای سمرقند» رفته‌اند، می‌توان استنباط کرد که نجم‌الدین نسفی یک مدت در بخارا زیسته و به تحصیل علم پرداخته

است. او همچنین سال ۱۱۱۳/۵۰۷ هنگام سفر به حج در بغداد توقف نموده، از ابوالقاسم ابن بیان و دانشمندان دیگر بغدادی حدیث شنیده است.^۲ هنگام بازگشت از حج نیز مدتی در بغداد در مدرسه خمارتگین به تدریس حدیث پرداخته است.^۴

به تأکید سمعانی، نسفی پسری داشته است به نام مجد که در کسب علم و دانش پیرو پدر بوده است. سمعانی در حق مجد نوشته است که «او فقیه فاضل و واعظ کامل بود. دانش خود و معامله نیکو با دوستان داشت... وقتی که ابتدای سال ۱۱۵۴/۵۴۹ به سمرقند آمدم، با او ملاقات و صحبت‌ها داشتم. او به من کتاب و رساله‌ها را به عاریت می‌داد. تیز تیز به زیارت می‌آمد و من نیز به دیدارش می‌رفتم».^۵

این پسر صالح نسفی سال ۱۱۵۶/۵۵۱ به نیت حج تا بغداد می‌رود، ولی جنگ میان خلیفه المقتدی و سلطان محمد خوارزمشاه ادامه سفر حج را برای مجد امکان‌ناپذیر می‌نماید. یک سال پس از آن، او از بغداد قصد بازگشت به وطن دارد، ولی در نزدیکی بسطام از جانب دسته راهزنان در شمار دیگر مسافران به قتل می‌رسد.

نجم‌الدین نسفی دانشمند پرکار و پربراری بود و بیش از ۱۰۰ اثر به میراث گذاشت. شماری از این آثار تا زمان ما رسیده و چاپ شده‌اند، برخی به شکل دستخط در انتظار نشر هستند، تعدادی دیگر از دستبرد حوادث ایمن نمانده‌اند. عنوان اکثر تصنیفات نجم‌الدین نسفی در منابع معتبر، مخصوصاً در کتاب‌های سمعانی، یاقوت حموی، ابن نجار، حاجی خلیفه و دیگران به قید آمده، دانش کامل او را در علوم مختلف و تنوع سمت‌های فعالیتش را به ثبوت می‌رسانند.

۱. نجم‌الدین نسفی در علم فقه آثار معروفی از قبیل «عقایدالنسفی»، «مشارع الشارح» و غیره تألیف کرده است که به آنها شرح‌های زیادی نوشته شده‌اند. از جمله حاجی خلیفه در «کشف‌الظنون» بیش از ۵۰ شرح و حاشیه‌ها را بر «عقایدالنسفی» ذکر کرده است که در رأس

آنها شرح علامه سعدالدین تفتازانی قرار دارد.^۶

نوشته شدن چنین مقدار شرح‌ها بر «عقاید النسفی» خود گواه آن است که نجم‌الدین نسفی یکی از پیشاهنگان فقه حنفی بوده، در تقویت پایه‌های مذهب ابوحنیفه در ماوراءالنهر سهمی بارز گذاشته است.

خدمت دیگر نسفی در رواج علم فقه حنفی به زبان فارسی- تاجیکی بیان نمودن اصول اعتقاد اهل سنت است که برای انتشار بیش از پیش مذهب حنفی در میان مردم و اصطلاحات دینی و مذهبی در زبان فارسی-تاجیکی خیلی مهم و مفید بود. در تصدیق این مطلب باید از یک رساله کوچک نسفی با نام «اعتقاد اهل سنت و جماعت» یادآور شد که آن را مؤلف سال ۱۱۴۰/۵۳۵ یعنی دو سال قبل از وفاتش با طلب یکی از امیران سلطان سنجر- امیر ابوالفضل سیستانی تألیف کرده است. این رساله مهم چند بار روی چاپ را دیده و قسمتی از آن را ذبیح‌الله صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» اقتباس کرده است.^۷

در تبلیغ و ترویج فقه حنفی اثر دیگر نسفی با نام «طلبه الطلبة» نقش مهم داشت. در این اثر که در قاهره و بیروت بارها به چاپ رسیده است، اصطلاحات و عبارات فقه حنفی شرح و توضیح یافته‌اند.

۲. در علم تفسیر نجم‌الدین نسفی چند اثری تألیف نموده است که میان آنها «تفسیر نسفی» شهرت بیشتری دارد. این تفسیر که نسفی آن را به زبان مادری خود، فارسی تاجیکی تألیف نموده است، در تهران بر اساس سه نسخه به نشر رسیده است.^۸

تفسیر دیگری به زبان عربی با نام «الاکمل الأطول» نیز به قلم نسفی تعلق دارد که حاوی چهار مجلد بوده است. اثر دیگر نسفی که «التیسیر فی التفسیر» نام دارد و در شکل دستخط تا زمان ما رسیده است، دلیل کوشش‌های این دانشمند در راه آسان‌بیان نمودن تفسیر قرآن است.

۳. نجم‌الدین نسفی در رشد علم حدیث سهم بارز داشته است. آثاری که او در این رشته تألیف کرده، به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول جمع و تهیه مجموعه حدیثهای پیامبر اسلام و تحقیق و تصحیح اسناد آنها است. اثرهای «الیاقوته فی الحدیث»، «الاجازات المترجمه بالحروف المعجمه» و غیره از همین نوع هستند.

شماری دیگر از آثار در این رشته تألیف نموده او از شرح و توضیح مجموعه‌های معروف احادیث نبوی عبارتند. چنان که نسفی مؤلف کتابی است با نام «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح» که آن بنا به عنوانش و طبق اخبار حاجی خلیفه شرحی به کتاب معروف «الجامع الصحیح» امام البخاری است.

۴. نجم‌الدین نسفی در علم تاریخ خصوصاً در تاریخ شهرها ید قوی داشته و در منابع چون مؤلف کتاب‌های مربوط به تاریخ بخارا و سمرقند ذکر شده است. از جمله حاجی خلیفه ضمن فهرست کتاب‌های نجم‌الدین نسفی «تاریخ بخارا»ی او را قید نموده است.^۱ متأسفانه از این کتاب و محتوای آن اطلاعاتی کافی در دست نیست، ولی با تکیه به مندرجه کتابهای دیگری که در عصرهای ۱۰-۱۲ راجع به تاریخ شهرهای ماوراءالنهر و خراسان تألیف شده‌اند، می‌توان حدس زد که «تاریخ بخارا»ی نسفی از بیان وقایع تاریخ، بیشتر شامل اخبار راجع به دین‌مردان معروف و علمای مشهور بخارا بوده است. این فرضیه را اولاً یکی از اشاره‌های و.و. برتولد به آن که آثار مربوط به تاریخ شهرهای آن دوران از اثر تاریخی بیشتر به کتاب‌های دینی شباهت دارند^۱، تأیید می‌نماید و ثانیاً امتیاز جنبه دینی بر تاریخی در کتاب دیگر نسفی «القند فی ذکر علمای سمرقند» که در منابع به عنوان تاریخ سمرقند معرفی شده است، احتمالاً مندرجه بارز دینی داشتن «تاریخ بخارا»ی نسفی را نیز نزدیک به یقین می‌گرداند.

به هر ترتیب، سهم نجم‌الدین نسفی در بیان تاریخ حیات روحانی و معنوی دو شهر بزرگ ماوراءالنهر- بخارا و سمرقند تردیدناپذیر است.

۵. نجم‌الدین نسفی همچون دانشمند ذوالفنون در تصنیف علوم و فنون و نشر دانش و معرفت کوشش به خرج داده، در این سمت دایره‌المعارفی را با نام «مطلع‌النجوم و مجمع‌العلوم» تدوین کرده است که در شکل دستخط تا زمان ما رسیده است.^{۱۱}

۶. نجم‌الدین نسفی به حیث شاعر و ادیب عربی‌زبان نیز اشتهار داشت. استعداد شاعری خود را او بیشتر وقف نظم آثار دینی نموده است. بنا به معلومات حاجی خلیفه، نسفی کتاب «الجامع الصغیر» محمد ابن حسن شیبانی (وفات ۸۰۲/۱۸۷) را به رشته نظم کشیده است که آن از کتابهای معتبر مذهب حنفی به شمار آمده، ۱۵۳۲ مسئله را در بر می‌گرفت. در آغاز این منظومه نسفی قصیده «رعایه»ی خود را راجع به عقاید جای داده است که شامل ۸۱ بیت بود.^{۱۲}

به قلم نسفی منظومه دیگری در مسایل دینی تعلق دارد که عنوان آن را حاجی خلیفه «منظومه‌النسفی فی خلاف» ذکر کرده است. این منظومه از ده باب عبارت بوده، در هر باب آن مؤلف عقاید یکی از امامان بزرگ از قبیل ابوحنیفه، ابویوسف قاضی، محمد ابن حسن شیبانی، شافعی، مالک و دیگران را بیان نموده است. تعداد ابیات این منظومه را حاجی خلیفه با اقتباس دو بیت خود نسفی ۲۶۶۹ بیت تعیین کرده، نوشته بودن شرح‌های زیادی را به منظومه مذکور تذکر داده است.^{۱۳} بنا به اشاره الزرکلی منظومه مورد نظر در شکل دستخط تا کنون باقی است.^{۱۴}

میان آثار نجم‌الدین نسفی در منابع کتابی با نام «المختار من الاشعار» ذکر گردیده که شامل ۲۰ مجلد بودن آن تأکید شده است.^{۱۵} از عنوان و حجم کتاب پیداست که آن را نسفی به حیث منتخبی از اشعار شعرای عرب و عربی‌زبان مرتب نموده است.

از توصیف مختصر سمت‌های اساسی فعالیت علمی و مذهبی و ادبی نجم‌الدین نسفی عیان است که او آثارش را به دو نوع نثر و نظم و به دو زبان عربی و فارسی تاجیکی انشا کرده است. این دانشمند ذوالفنون در حیات معنوی سمرقند نیمه دوم عصر ۱۱ و اول عصر ۱۲ مقام شایسته را صاحب بود. بی‌سبب نیست که یکی از نخستین کتابها را دایر به تاریخ حیات

معنوی سمرقند محض او تألیف نموده است. مراد از این کتاب همان «القند فی ذکر علمای سمرقند» است که در باره آن به تفصیل سخن خواهد رفت.

بنا به تأکید مؤلف «کشف‌الظنون» تا نجم‌الدین نسفی دو نفر از دانشمندان ماوراءالنهری، یکی ابوالعباس جعفر ابن محمد مُستغفری (وفات ۱۰۴۱/۴۳۲) و دیگری ابوسعید عبدالرحمان ابن محمد ادیسی (وفات ۱۰۱۵/۴۰۵) - کتاب‌هایی با نام «تاریخ سمرقند» تألیف کرده‌اند.

حاجی خلیفه تذکر داده است که نسفی کتاب خود «القند» را در ادامه «تاریخ سمرقند» ادیسی نوشته و شاگرد نسفی محمد ابن عبدالجلیل سمرقندی منتخبی را از «القند فی ذکر علمای سمرقند» استادش مرتب کرده است.^{۱۶} برتولد حدس زده بود که همین منتخب «القند» در ترجمه فارسی تاجیکی با عنوان «قندیه» تا زمان ما رسیده و خود اثر نسفی از بین رفته است.^{۱۷} بعداً معلوم گردید که «القند فی ذکر علمای سمرقند» نسفی نیز در دو نسخه ناقص دست‌نویس که یکی در کتابخانه ملی پاریس و دیگری در کتابخانه استامبول نگهداری می‌شوند، تا زمان ما رسیده است. از نسخه پاریس که مقدمه و آخر کتاب افتاده، ترجمه حال دانشمندی را که ابتدای نام‌هایشان از حرف «الف» تا «جیم» است، فرا گرفته است. همچنین بعضی قسمت‌های حرف «عین» نیز در همین دست‌نویس باقی مانده است.

نسخه استامبول ترجمه حال اشخاص را از حرف «ح» تا «ک» در بر دارد، یعنی در این دست‌نویس نیز مقدمه، ابتدا و انتهای کتاب وجود ندارد.^{۱۸}

همین نسخه دست‌نویس استامبول را نظر محمد الفاریابی سال ۱۹۹۱/۱۴۱۲ در عربستان سعودی به نشر رساند^{۱۹} ولی این نشر بنا بر سهو و غلط‌های زیادی که در نام‌های اشخاص و محل و ناحیه‌ها رفته است، از جانب دانشمندان مورد انتقاد قرار گرفت. سال ۱۹۹۹/۱۴۱۲ محقق عرب یوسف الهادی بر اساس نسخه‌های پاریس و استامبول کتاب «القند» را مجدداً به چاپ آماده کرد و آن از جانب «دفتر نشر میراث مکتوب» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران به زیور طبع آراسته گردید.^{۲۰}

این نشر از لحاظ صحت متن و فراگیری مطالب بیشتر کتاب «القند فی ذکر علمای

سمرقند» نسبت به نشر اول امتیاز داشته، تهیه گر آن با وقوف لازم بر جغرافیای ماوراءالنهر و خراسان و آگاهی کافی از تاریخ این سرزمین منبعی معتمد دایر به آموزش حیات معنوی سمرقند عصرهای میانه به اختیار اهل تحقیق و علاقه‌مندان موضوع گذاشت.

در هر دو نشر نام کتاب نسفی «القند فی ذکر علمای سمرقند» ذکر شده است. ولی باید یادآور شد که در منابع گونه‌های مختلف عنوان کتاب مشاهده می‌شود. چنان که اسمعانی عنوان کتاب را به شکل «القند فی معرفت علمای سمرقند» قید کرده، حاجی خلیفه در یک جای اثرش آن را «القند فی تاریخ سمرقند»^{۲۱} و در جای دیگر «القند فی تاریخ علمای سمرقند»^{۲۲} و در جای سوم به صیغه مختصر «القند»^{۲۳} ذکر کرده است. یاقوت حموی نام کتاب مورد نظر را «القند فی علمای سمرقند» نوشته است^{۲۴} که ظاهراً واژه «تاریخ» یا «ذکر» پیش از کلمه «علما» افتاده است. در شماری از منابع نام کتاب مذکور «تاریخ سمرقند» نیز ثبت شده است.^{۲۵}

این پنج شش نام گوناگون کتاب نسفی را از لحاظ مضمون می‌توان به دو گروه جدا نمود. گروه اول (القند فی ذکر/ فی تاریخ/ فی معرفت/ علمای سمرقند) دلالت بر آن دارد که کتاب نسفی در باره «علما»- دانشمندان سمرقند نوشته شده است. گروه دوم نام‌های کتاب (القند فی تاریخ سمرقند/ تاریخ سمرقند) اشاره بر آن دارد که نسفی اثری را دایر به این شهر باستانی تألیف کرده بود. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که کدام یک از این دو گروه نامها به محتوای کتاب موافق و مطابق است؟ اگر متن بر اساس دو دستخط باقیمانده به نشر رسیده را به نظر گیریم، پس گروه اول نامهای کتاب به محتوای آن موافقت کامل دارد، زیرا کتاب سراسر از سرگذشتنامه دانشمندان سمرقند فراهم آمده، بیان پیوسته وقایع و حوادث تاریخ شهر که خاص اثرهای تاریخی است، در آن به نظر نمی‌رسد.

در همین راستا، دو پرسش دیگر پیش می‌آید: اول، برای چه در گروه دوم نام‌های کتاب آن چون تاریخ سمرقند معرفی شده است، در حالی که به تذکره دانشمندان سمرقند شباهت دارد؟ دوم، برای چه مطالب تاریخی که در «قندیه» وجود دارد، در «القند فی ذکر علمای سمرقند» مشاهده نمی‌شود، در حالی که «قندیه» منتخب کتاب نسفی دانسته شده است؟

در یافتن پاسخ دقیق به این پرسش‌ها در حال حاضر امکان‌پذیر نیست، ولی می‌توان حدس زد که مطالب تاریخی راجع به سمرقند، از جمله مطالبی که در «قندیه»-منتخب «القند» وجود دارد، در مقدمه کتاب نسفی جای داشت. این حدس را اشاره حاجی خلیفه نیز بر آنکه کتاب «القند» شامل بیست مجلد بوده است^۶، تقویت می‌کند. کتابی با چنین حجم بزرگ طبعاً باید مطالب تاریخی را نیز در بر داشته باشد، ولی در نتیجه از بین رفتن قسمت اعظم آن احتمالاً تنها متن ناقص سرگذشت‌نامه‌های دانشمندان شهر باقی مانده است. ثانیاً گذشتگان ما تاریخ را امری معنوی به شمار می‌آوردند و حین تألیف تاریخ شهرها، بیشتر به تاریخ معنوی و شرح حال بزرگان آنها اعتبار می‌داده‌اند. بنا بر این، در منابع کهن به حیث تاریخ سمرقند قلمداد شدن کتاب نسفی دور از منطق و واقعیت نمی‌نماید.

متن به نشر رسیده کتاب «القند فی ذکر علمای سمرقند» شامل اخبار دایر به ۱۲۳۲ نفر دانشمندان این شهر باستانی است که غالباً در عصرهای ۱۰- نیمه اول عصر ۱۲ زیسته‌اند. همچنین نسفی دایر به علمایی نیز معلومات داده است که زمان زندگی و فعالیتشان عصرهای ۸-۹ بوده، تعدادشان نسبت به دوران بعدی کمتر است.

غالب آنهایی که نام و اخبارشان به کتاب وارد شده‌اند، دانشمندان علوم دینی، مخصوصاً علم حدیث بوده‌اند. بنا بر این، «القند» را می‌توان همچون منبعی مهم برای تحقیق رواج علم حدیث و سایر علوم دینی در سمرقند از قرن‌های نخست اسلام تا زمان مؤلف کتاب قلمداد کرد.

روش نسفی در ذکر اخبار دانشمندان خیلی جالب است. او نخست نام و نسب دانشمندان را هرچه کامل‌تر بیان نموده، بعداً نسبت ایشان را به شهر و ناحیه‌ای که زادگاهشان است، تعیین کرده است. در بسیاری موارد مؤلف به ذکر شهر و ناحیه اکتفا نکرده، روستا و محلی را نیز که دانشمند از آن برخاسته، ذکر کرده است و تابع کدام شهر بودن آنها را هم تصریح کرده است، مثلاً: «ابوکتیر سیف ابن حفص سمرقندی. در بخارا در دیه‌ای که آن را سُتخان می‌گفتند و نزدیک به شَرغ بود، سکونت داشت» (ص ۲۲۹) یا «ابومحمد سیحان ابن الحسین ابن حازم المأدیب المروزی. در سمرقند در محله «أشتابدیزه»

زندگی می‌کرد» (ص ۲۳۴) یا «شعبان ابن رمضان ابن محمد ابن یوسف ابن عبدالرحیم ابن فضل ابن ابوساجد کسادنی. و کسادن از دیبه‌های سمرقند است» (ص ۲۴۴).

سپس نسفی سال‌های تولد و وفات دانشمندان و جایی که امکان داشته است، روز و ماهها را نیز دقیق ثبت کرده است که این از دقت و در دسترس او بودن منابع معتمد خطی خبر می‌دهد. چنان که مؤلف «القند فی ذکر علمای سمرقند» در سرگذشت‌نامه ابونصر احمد ابن یعقوب کرابسی نسفی آورده است: «او در زهد و ورع و علم کامل بود. از امامان خراسان و عراق روایت کرده و فقه را نزد ابوالحسن کرخی آموخته و از او احادیث نبوی را نقل کرده است. سال ۳۰۵ تولد یافته، بیگانه (هنگام عصر) پنجشنبه بیست و سوم ماه ربیع‌الاول سال ۳۸۳ وفات کرد و روز جمعه دفن گردید. ۷۸ سال عمر دید» (ص ۸۵).

پس از ذکر معلومات مذکور نسفی معمولاً حدیثی را که دانشمند مورد نظر او نقل کرده است، با سلسله اسنادش ثبت می‌کند. این سلسله عادتاً تا پیامبر اسلام می‌رسد. بدین ترتیب در کتاب «القند» بیش از ۹۵۰ حدیث نبوی ثبت شده است. در صحت و اصالت اغلب این حدیث‌ها شک و شبهه‌ای وجود ندارد، زیرا در سلسله اسناد آنها اشخاصی ذکر شده‌اند که مورد اعتماد اهل حدیث هستند. با وجود این، تهیه‌گر کتاب یوسف‌الهادی اصالت قسمی از حدیث‌های آن را زیر شبهه گذاشته است، زیرا در سلسله اسناد آنها اشخاصی مثل احمد ابن عبدالله جویباری ذکر شده‌اند که در نزد محدثان گذشته در شناخت اصالت حدیث‌ها از معتمدان به شمار نمی‌آمدند.^{۲۷} ناوابسته به این، طرف مسئله که آن باید مورد تحقیق حدیث‌شناسان قرار گیرد، کتاب «القند» دلیل بارز رواج و گسترش علم حدیث در سمرقند عصرهای ۸ و نیمه عصر ۱۲ است.

از محتوای کتاب برمی‌آید که در تشکل مکتب حدیث‌شناسی سمرقند در ردیف فرزندان این شهر باستانی صدها دانشمند شهرهای دیگر ماوراءالنهر و خراسان، از قبیل بخارا، مرو، بلخ، نسف، خجند، نیشابور، اصفهان، هرات، فرغانه و غیره سهم داشته‌اند و فعالیت علمی خود را قسماً یا کلاً با سمرقند- مرکز بانفوذ علوم دینی آن دوران پیوسته‌اند.

نام و اخبار برخی از این دانشمندان در منابع دیگر عصرهای میانه یا عموماً به نظر

نمی‌رسند یا اگر ذکری از آنها رفته باشد، پس منبع یگانه آگاهی مؤلفان همین کتاب «القند» نسفی بوده است. این امر باعث شگفتی نیست، زیرا نسفی در تألیف کتاب خود از دو اثر دایر به تاریخ سمرقند نوشته ابوالعباس مُستَغفِرِی و ابوسعید ادریسی که هر دو هم تا زمان ما نرسیده‌اند، بهره‌ها برداشته بوده است. در نوبت خود کتاب نسفی مورد استفادهٔ سمعانی در تصنیف کتاب معروف «الانساب» او قرار گرفته است.

کتاب «القند» همچون سرچشمهٔ تاریخی نیز دارای اهمیت است، زیرا مؤلف آن در شرح حال والیان خراسان و ماوراءالنهر، امیران خاندان طاهریان، شاهان و وزیران سامانیان، از جمله عبدالله ابن طاهر، احمد ابن اسد سامانی، احمد ابن اسماعیل سامانی، اسماعیل سامانی، ابوالفضل بلعمی و دیگران که در روایت حدیث‌ها دست داشته‌اند، بعضی اخبار و وقایع تاریخی زمان ایشان را با دقت تمام بیان کرده است.

برخی از دانشمندان که شامل کتاب نسفی هستند، در ایجاد نظم و نثر نیز اشتها داشتند. از این رو اخباری که در بارهٔ آنها در «القند» ذکر شده، دارای ارزش و اهمیت ادبی است. این مطلب را شرح مختصر حال ابوالفتح بُستی و ذکر ۹ بیت عربی او (ص ۱۰۸، ۵۳۵)، اقتباس ۳ بیت عربی محمود وراق (ص ۵۳۳)، بیان واقعات روزگار ابوالطیب مصعبی (ص ۴۳۸-۴۳۹) و غیره تصدیق می‌کنند.

گذشته از این نسفی در «القند» بیش از ۲۷۰ بیت عربی را آورده است که ۱۴۰ بیت آنها به قلم خود او تعلق دارد. در اکثر این ابیات نسفی مضمون حدیث‌هایی را در قالب شعر بیان کرده است. استعداد شاعری نسفی و جنبهٔ دینی داشتن اشعار او که قبلاً به آنها اشاره شد، در کتاب «القند» مصداق خود را یافته‌اند.

بنابراین، کتاب «القند فی ذکر علمای سمرقند» در شناخت مقام و منزلت سمرقند همچون مرکز بانفوذ حیات معنوی ماوراءالنهر و خراسان عصرهای میانه منبعی مهم بوده، می‌تواند صفحه‌های تاریخ این قانون بزرگ علم و معرفت را با اسناد و اطلاعات جدید غنی گرداند.

پی نوشت‌ها:

۱. سمعانی - منتخب معجم الشیوخ. دستخط کتابخانه احمد الثالث در استامبول، شماره ۲۹۵۳/۳، ورق ۱۷۱ ب.
۲. حاجی خلیفه - كشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون. بیروت، دارالفکر. ۱۹۹۹/۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۷.
۳. نجم‌الدین عمر ابن محمد ابن احمد النسفی - القند فی ذکر علمای سمرقند. تحقیق یوسف الهادی، تهران، مرکز نشر التراث المخطوط. ۱۹۹۹/۱۴۲۰، ص ۳۴۴، ۴۹۰.
۴. ابن نجار - ذیل و تاریخ بغداد. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت، ۱۹۹۷/۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۹.
۵. سمعانی - منتخب معجم الشیوخ. دستخط کتابخانه احمد الثالث در استامبول، شماره ۲۹۵۳/۳، ورق ۱۷۱ ب.
۶. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۷.
۷. صفا ذ. - تاریخ ادبیات در ایران. چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۹۴۷-۹۴۸.
۸. تفسیر نسفی - تحقیق عزیزالله جوینی. تهران، ۱۳۷۶.
۹. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۵، ص ۶۲۴.
۱۰. برتولد و.و. - آثار. (روسی). مسکو، ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۵۹.
۱۱. تفسیر نسفی - مقدمه، ج ۱، ص ۳۹.
۱۲. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۱، ص ۴۵۵.
۱۳. حاجی خلیفه. اثر مذکور، ج ۲، ص ۶۹۴-۶۹۵.
۱۴. الزرکلی الاعلام - بیروت، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۶۰.
۱۵. اسماعیل ابن محمد البغدادی - هدیه العارفان. استامبول، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱.
۱۶. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱.
۱۷. برتولد و.و. - اثر مذکور، ج ۱، ص ۶۱.
۱۸. نسفی - القند، ص ۳-۳۱.
۱۹. عمر ابن محمد النسفی - القند فی ذکر علمای سمرقند. قدمه له و اعنته بالنظر محمد الفاریابی. الرياض، ۱۹۹۱/۱۴۱۲.
۲۰. نجم‌الدین عمر ابن محمد ابن احمد النسفی - القند فی ذکر علمای سمرقند. تحقیق یوسف الهادی. تهران، مرکز نشر التراث المخطوط. ۱۹۹۹/۱۴۲۰.
۲۱. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۲، ص ۳۱۶.
۲۲. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۵، ص ۶۲۴.
۲۳. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱.
۲۴. یاقوت حموی - معجم الادبا، ج ۱۶، ص ۷۰.
۲۵. العسقلانی - لسان المیزان. بیروت، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۷، ۱۱۴، ۱۴۴.
۲۶. حاجی خلیفه - اثر مذکور، ج ۲، ص ۶۲۴.
۲۷. نسفی - القند...، ص ۲۵-۲۸.